

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال سیزدهم - شماره سوم - خرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۹

### بررسی سبک‌شناسی غزلیات مدهوش گلپایگانی

(ص ۱۷۵-۱۵۵)

نوشین منصورپور<sup>۲</sup>، مهرداد چترایی (نویسنده مسئول)<sup>۳</sup>، عظامحمد رادمش<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۷// تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۸

#### چکیده

مدهوش گلپایگانی یکی از شاعران گمنام قرن دوازدهم است که دارای آثار متعددی در نظم و نثر است. از جمله آثار ارزشمند او دیوان اشعاریست که شامل: غزلیات، قصاید، قطعات و رباعیات اوست. در این مقاله به بررسی سبکی و محتوایی غزلیات او از جنبه‌های فکری، زبانی و ادبی پرداخته شده است. هدف از این بررسی دستیابی به میزان توانایی شاعر به عنوان یکی از غزلسرایان دوره بازگشت ادبی بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد شاعر، غزلسرایی توانمند بوده است و به خوبی مختصات شعری غزلسرایان پیشین را شناخته و توانسته است ویژگیهای ادبی، زبانی و فکری آنان را در غزل خود منعکس نماید.

**کلمات کلیدی:** مدهوش گلپایگانی، غزل، قاجار، بازگشت ادبی.

<sup>۱</sup> - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

(nomansoorpoor@yahoo.com)

<sup>۳</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

(M\_chatraei@yahoo.com)

<sup>۴</sup> - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

(ata.radmanesh@yahoo.com)

### **The Style and Content of Sonnets Madhush Golpayegani**

Noshin Mansoorpoor<sup>1</sup>, Mehrdad Chatraei<sup>2</sup> (correspondent author), Ata  
Mohamad Radmanes<sup>3</sup>

#### **Abstract**

Madhush Golpayegani is one of the anonymous poets of 12<sup>th</sup> century who has got numerous works of poetry and prose. Among his valuable works is the Divan of the poetry, which includes: sonnets, idols, pieces as well as rubaiyat. This study investigates the style and content of his sonnets from the intellectual, linguistic and literary aspects. The purpose of this enquiry was to review the poet's ability as a sonneteer of the literary restoration era. The results of this study showed that he was a capable poet and sonneteer who exactly knew previous sonneteers and reflect their literary, linguistic, and intellectual aspects on his sonnets.

**Key words:** Madhush Golpayegani, Sonnet, Literary restoration.

---

<sup>1</sup>- Ph.D student of Persian language and literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (nomansoorpoor@yahoo.com)

<sup>2</sup>- Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (M\_chatraei@yahoo.com)

<sup>3</sup>- Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (ata.radmanesh@yahoo.com)

#### مقدمه

شعر دوره بازگشت همواره با نقد و نظراتی متفاوت مواجه بوده است. اخوان ثالث از دوره بازگشت ادبی به کودتا تعبیر میکند و مینویسد: «نهضت بازگشت فقط به سان کودتایی بود برای ساقط کردن سلطنت انحصاری دودمان سبک هندی، که همه از آن به تنگ آمده بودند» (از صبا تا نیما، آراین پور: ص ۱۹) و یا شفیعی کدکنی شاعران این دوره را چهره مسخ شده و کاریکاتور متقدمین خوانده است. (ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۲۰) اما شمیسا پس از پذیرش معایب و اشکالات شعر این دوره مینویسد: «شعر بازگشت نمیتواند از جاذبه و نثار تحسینهای قلبی به دور باشد. دست کم اینکه گویی دوره سبک خراسانی دو برابر شده است، امثال فرخی، عمری درازتر یافته اند، گویی دیوان همزاد انوری نیز به دست آمده است و چه فرق میکند که شعر فرخی را میخوانم یا سروش را ... لحظات بسیاری است که شعر سروش و داوری و محمود خان صبا و شببانی با شعر عنصری و فرخی و مسعود سعد به دور از شائبه ها یکی میشود و پارسی شناس بر هر دو قصیده آفرین میگوید» (کلیات سبک شناسی، شمیسا: ص ۳۳۳).

اما به هر حال باید پذیرفت که دوره بازگشت یکی از ادوار شعر فارسی است و نمیتوان در پژوهشهای ادبی آنرا نادیده گرفت. این مقاله به بررسی سبک شناسی غزلیات "مدهوش گلپایگانی"، یکی از شعرای ناشناخته این دوره میپردازد.

#### پیشینه پژوهش:

غزلیات مدهوش گلپایگانی تاکنون تصحیح نشده است و بجز مقاله‌ای تحت عنوان «هنجارگریزی در غزلیات مدهوش گلپایگانی» به قلم همین نگارنده، پژوهش دیگری انجام نشده است و جای پژوهشی مستقل در این مورد خالی به نظر میرسد.

#### شیوه پژوهش:

این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است و درانجام آن از نسخه خطی معتبر که به خط شاعر است، استفاده شده است.

#### تصحیح نسخ خطی و معرفی شعرا و نویسندگان:

معرفی نسخ خطی به عنوان گنجینه‌های ارزشمند علمی و فرهنگی همواره مورد توجه محققان بوده است. در بین این آثار دیوان شعرای ناشناخته یا کمتر شناخته شده ارزش ویژه‌ای دارد. آثاری که میتواند بیانگر ساختار ادبی، فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی دوره‌ای خاص باشد و پژوهشگران حوزه ادبیات را در شناخت سیر تحولات ادبی، زبانی، فکری و یا معرفی جریان‌های خاص از شعر یک دوره، یاری رساند.

### مدهوش گلپایگانی و آثار او:

مدهوش گلپایگانی از ادیبان و خوشنویسان عصر قاجار بوده است. وی در دربار حاکم گلپایگان یعنی حیدر قلی میرزا، فرزند فتحعلی شاه، در سمت "ملا باشی" خدمت می‌کرد. است و علاوه بر علوم ادبی و شعر فارسی، به ادبیات عربی نیز مسلط بوده است. کلیات مدهوش مجموعه کاملی از سروده های اوست که شامل: قصاید، غزلیات، مثنویات، رباعیات، قطعات و منشآت اوست. علاوه بر شعر آثاری در نثر نیز دارد که عمدتاً آموزنده و اخلاقی است. شاهزاده حیدر قلی میرزا همچون پدرش فتحعلی شاه به شعر و ادب تمایل داشت و ضمن انجام کارهای سیاسی و اداره حکومت گلپایگان، در مجالس ادبی شرکت می‌کرده و خود نیز اشعاری سروده است. مدهوش در اشعارش بارها از این شاهزاده با عناوین مختلف نام برده و او را ستوده است، درباره زندگی مدهوش اطلاعات زیادی موجود نیست. بیشترین توضیح درباره او در تذکره "سفینه المحمود" آمده است: «اسمش محمد صادق، علماً و عملاً معلم است. اصلش از شهر گلپایگان است،... بهتر و مهتر موزونان و صاحب کمالان آن دیار است. بسیار صادق القول و صداقت اندیشه است. بعد از مشرف ساختن نواب حیدر قلی میرزای شاهزاده آن ملک راه، از کیاست بسیار و تیزهوشی، این سخندان را در بر خود خواند و به منصب ملاباشیگری خود مزیتی بخشیدش. پس از کناره جویی از آن ملک، نواب معزی الیه از رسوم حقوق تفصی نجست، هم با جنابش به دارالخلافه شد، مجملآ آدمی آدم وش است و در حضر هم با اخلاصی خوش. نظماً و نثراً با بهره زیاد در علم عربیت با حظ و نصیب در قلوب ناس محبوب.» (فرهنگ سخنوران، خیام پور: ص ۳۱۲)

از مدهوش گلپایگانی آثاری به جامانده است که مهمترین آنها عبارتند از:

- کلیات، شامل: قصاید، غزلیات، مثنویات، رباعیات، قطعات و منشآت.
  - گنج البحر، شامل اشعار فارسی.
  - فلک النجات در تاریخ معصومین.
  - پندنامه یا مثنوی عرفانی.
  - سرمشق جنون یا منشآت فارسی در مراسلات.
  - سرالعزیز در اخلاق.
- همچنین دیباچه چند کتاب، که از جمله مهمترین آنها میتوان به دیباچه کتاب "مراثی و نوحه ها" و دیباچه تذکره ای به نام "میزان الطبايع" اشاره کرد. در این واکاوی، غزلهای

"مدهوش گلپایگانی" از منظر سبک‌شناسی در سه سطح آوایی، زبانی، و ادبی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

### سطح آوایی

در بررسی غزلیات این دوره میتوان گفت نظیره سرایی بسامد بسیار بالایی دارد. از آنجا که تمرکز شاعران این دوره بر تتبع و تقلید از غزلسرایان نامی سبک عراقی بوده است؛ تمامی جنبه‌های غزل آنان، مضمون و محتوا، زبان و وزن را در سروده‌های خود مدنظر قرار داده‌اند. شمیسا درباره‌ی غزل این دوره می‌گوید: «کلا مَبْتَنی بر تقلید از گذشتگان است از این رو معنی تازه‌ای ندارد اما در زبان گاه به علت عدم تسلط کافی، ریزه کاریها و دقایق آثار قدما دیده نمیشود، استعاره و تشبیه و مجاز تازه بسیار کم است، از این رو زبان محدود به قدماست» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۸۶)

#### ۱) موسیقی بیرونی (وزن):

بارزترین وجه موسیقی شعر، عروض یا موسیقی بیرونی آن است که منظور از آن موسیقی حاصل از وزن و نظم در یک شعر است. از جنبه‌های قابل توجه در غزلیات مدهوش، موسیقی بیرونی ابیات است. مدهوش گلپایگانی در مجموع غزلیاتش از ۱۲ بحر بهره گرفته است. در بررسی به عمل آمده درباره‌ی میزان استفاده‌ی شاعر از بحرهای عروضی نتایج زیر حاصل شد: رمل (۳۵٪) هزج (۲۳٪) مضارع (۱۲٪) مجتث (۳۰٪) رجز (۱۲٪) خفیف (۳٪) منسرح (۳٪) متقارب (۲٪)

در بین این بحر ها رمل، هزج، و مضارع دارای بسامد بالاتری هستند.

کاربرد اوزان و زحافات مختلف در وزنهای پربسامد مانع از تکرار و یکنواختی موسیقایی در غزلیات او شده است. بررسی اوزان شعر او نشان میدهد سه وزن: «هزج مثنی‌اخر» مکتوف «رمل مثنی‌مخبون محذوف» و «مضارع مثنی‌اخر مکتوف» بیشترین کاربرد وزنی در غزلیات وی را دارد. این اوزان در شعر فارسی از پرکاربردترین اوزان میباشند.

#### ۱-۱) اوزان جویباری و خیزابی :

«اوزان جویباری از ترکیب نظام ایقایی خاصی حاصل میشود که با همه زلالی و زیبایی و مطبوع بودن، شوق به تکرار در ساختمان آنها احساس نمیشود و ساختار عروضی افعال نیز در آنها به گونه‌ای است که رکنهای عروضی در آنها عیناً تکرار نمیشود.» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۳۹۵)

غزلیات ملایم مدهوش نشانگر آرامش و لطافت احساسات اوست و سروده‌های حافظ و سعدی را تداعی میکند. به کارگیری مضامین غزلیات حافظ و سعدی نیز به این تداعی کمک میکند.

مدهوش غزلیاتی با اوزان خیزابی نیز سروده است. شفيعی کدکنی دربارهٔ وزنهای خیزابی و تند میگوید: «وزنهای تند و متحرکی که اغلب نظام ایقاعی افاعیل عروضی در آنها به گونه‌ای است که در مقاطع خاصی، نوعی نیاز به تکرار را در ذهن شنونده ایجاد میکند و غالباً از رکنهای سالم و یا سالم و مزاحفی تشکیل شده‌اند که حالت "ترجیح" و "دور" در آنها محسوس است». از مجموع غزلیات مدهوش تنها در ۲۷ غزل از اوزان خیزابی استفاده شده است.

ای سر زلف تو کمنند بلا در خم زلفت دل ما مبتلا  
(۱/۱۱)

#### ۲-۱) هماهنگی وزن و محتوا :

هر وزنی دارای آهنگ و موسیقی خاصی است و انتخاب وزن متناسب با مضمون غزل در انتقال مقصود و احساس شاعر بسیار مؤثر است. به همین علت شاعر از میان وزنهای شعری وزنی را برمیگزیند که با محتوای سخنش هماهنگ باشد، اگرچه ممکن است این انتخاب همیشه آگاهانه نباشد و وزن و محتوا همزمان به شاعر الهام شود. ارسطو در این مورد چنین میگوید: «... در واقع همان طبیعت موضوع است که ما را به انتخاب وزنی مناسب هدایت میکند» (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان، کامیار: ص ۶۱)

بررسی غزلیات مدهوش نشان میدهد که شاعر به این تناسب توجه داشته و پیوند و تناسب وزن و محتوا را به خوبی رعایت کرده است.

آنچه در غزلیات مدهوش دیده میشود این است که در عمده غزلیاتش اوزان نرم و سنگین به کار برده است تا با مضامینی چون هجران، درد و رنج و حسرت و شکایت هماهنگ باشند. در معانی پرشور و حال ۱۴ غزل سروده است و ۳۸ غزل در اوزان دلنشین با مضامین عاشقانه دارد. در موارد ذکر شده هماهنگی وزن و محتوا کاملاً آشکار است و توجه شاعر به این امر را نشان میدهد.

هر طرف عطر فشان رایحهٔ ریحان است      باغ شاداب و چمن خرم و گل خندان است  
(۱/۵۶)

اما در بین غزلهای مدهوش مواردی نیز دیده میشود که از هماهنگی بالایی برخوردار نیست. این گونه غزلها بسامد بالایی ندارند.

دردا که به بالین نرسید آن مه و دائم آهی که کشیدم نفس بازپسین بود  
(۲/۱۵۶)

۳-۱) **اوزان دوری** : کاربرد بالای اوزان دوری در اشعار یک شاعر نشان از غنای موسیقایی آن اشعار است. مدهوش نیز این امر را مورد توجه قرار داده و در تعدادی از غزلیاتش این گونه اوزان را به کار گرفته است.

در کل غزل‌های او ۱۹ مورد دارای اوزان دوری هستند که زیبایی خاصی به موسیقی سروده های او داده است.

در بر ارباب عشق ننگ بود نام نام دل به نکویان مده یا مگریز از ملام  
(۱/۲۸۵)

خرقه بیالا به ننگ یا که مبر نام عشق حرف همین است و بس ختم سخن والسلام  
(۲/۲۸۵)

گر نشناسد کسی دشمن مدهوش کیست دوست بود دوستان دوست بود دوست  
(۹/۱۱۳)

۲- **موسیقی کناری**: «منظور از موسیقی کناری عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تاثیر است ولی ظهور آن در سراسر بیت یا مصراع قابل مشاهده نیست، برعکس موسیقی بیرونی که تجلی آن در سراسر بیت و مصراع یکسان است.» (ادوار شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۳۹۱)

آنچه در بررسی موسیقی کناری مورد توجه قرار می‌گیرد، ردیف و قافیه و نکات مربوط به آنهاست. غزلیات مدهوش هم از جهت ردیف و هم قافیه غنی هستند و موسیقی کناری در آنها به خوبی رعایت شده است. مقوله تکرار نیز بر زیبایی و غنای شعر او افزوده است. «تکرار کلمات در پایان مصراعها جنبه موسیقایی دارد و نه تنها مکمل موسیقی قافیه است بلکه با عنایت به اسم، فعل یا حرف بودن آن در تکمیل مفاهیم موجود در بیت مؤثر است» (فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری: ص ۱۳۱)

از مجموع غزلیات مدهوش (۸۱٪) غزل مردف هستند. از این تعداد (۴۵٪) دارای ردیف فعلی هستند و افعال تام نظیر: می‌رس، مباد، بردی، بگذرم، رفت و... (۴۳٪) از ردیفهای فعلی را در بر می‌گیرند و افعال ربطی نیز (۴۵٪) سایر ساختهای ردیف نیز ۲۲٪ را در بردارند. این ساختها عبارتند از: حرف، (بیشتر حرف "را") اسم (دوست بیشتر به کار رفته است و موارد دیگر مانند، جانان، یاز، صنم، کفن، کبک، فلک و...) قید و صفت (امشب،

دیگر، هنوز، کسی،...) ردیفهای گروهی و اسمی نیز در مواردی به کار رفته اند که تعداد آنها اندک است (آید همی، بهتر از این، چه شد، دارد دلم و ...) تکرار ردیف نیز در کل غزلیات بسامد قابل توجهی دارد چنان که ۶۲ مورد از ردیف «است و نیست» استفاده شده است. قافیه:

قافیه علاوه بر وزن بخشی به شعر و القای موسیقی شعر در ذهن، به انتقال احساس شاعر و نیز استحکام ابیات کمک میکند. از میان ۴۸۵ غزل مدهوش مواردی به تکرار قافیه بر میخوریم. قدما تکرار قافیه را از عیوب شعر میدانستند.

مدهوش در انتخاب قافیه و ردیف دقت داشته است. بکارگیری الفاظ زیبا و موزون و پرمحتوا در قافیه نشان دهنده آگاهی از علوم مختلف زمان خود و نیز علوم ادبی میباشد. از امتیازات شعر او استفاده از قوافی متناسب، ساده و به دور از تکلف است.

نتیجه بررسی قافیه در غزلیات او نشان میدهد که عیوب قافیه در شعر او زیاد نیست و در حد " ایطا و شایگان " است و این نشان دهنده توجه بالای شاعر به قافیه است.

شاعر گاهی از جملات یا کلمات عربی به عنوان قافیه استفاده کرده است.

شهره شهر به ترمانی ام      گرچه در آب بقا مغسولم  
(۱/۳۰۹)

چند پرسى به چه کارى مشغول      به بلای دل خود مشغولم  
(۲/۳۰۹)

استفاده از افعال جعلی نیز در غزلیات مدهوش دیده میشود. تمام قوافی در دو غزل (۲۰۴ و ۲۰۵) از افعال جعلی هستند.

(غروبید، چوبید، طوبید، جنوبید، سحابید، شرابید، کبابید، رکابید...)

از بس که جمال یار خوبید      خورشید ز شرم او غروبید  
(۱/۲۰۶)

تا اشک من از غمت شرابید      دل ز آتش هجر تو کبابید  
(۲/۲۰۵)

### موسیقی درونی:

#### قافیه میانی:

در تعدادی از غزلیات مدهوش قافیه درونی دیده میشود. ولی گاهی به طور کامل در طول غزل به کار برده نشده است. از تأثیرات کاربرد قافیه میانی در شعر بالا بردن میزان آهنگ آن است و به ایجاد وزن در مصراع کمک میکند.



همان طور که پیشتر ذکر شد بیشتر غزلهای مدهوش در اوزان جویباری سروده شده اند لذا از موسیقی درونی کمتر استفاده کرده و بسامد این کاربرد در غزلیاتش اندک است. (۱۰۵، ۳۱۱، ۶۱، ...).

#### تکرار:

تکرار کلمه در شعر میتواند بر زیبایی و جنبه موسیقایی شعر بیفزاید اگرچه کاربرد نابجای آن نیز ملال آور است. «تکرار در زیبایی شناسی هنر از مسائل اساسی است. صداهای غیر موسیقایی که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میشود.» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۸۹)

تکرار در شعر مدهوش بسامد بالایی دارد.

صبر از جمال دوست میسر نمی شود      گر سر رود هوای وی از سر نمی شود  
(۱/۱۸۲)

دلم از ناز بتی باز ر بوده که مپرس      ناز بر ناز به صد ناز فزوده که مپرس

#### جناس:

کاربرد وسیع جناس در شعر نشان دهنده توجه شاعر به زیبایی و آراستگی لفظی است و وسعت دامنه لغات را نیز بیان میکند. شعر مدهوش نیز از این آراستگی بهره مند است و کاربرد جناس موجب غنای موسیقایی غزلیات او شده است. (آواز، آوازه - ناف، نافه - سحاب، حساب - کمان، مکان - جان، جهان - کمان، کمین - سایه، همسایه - کشتی، کشتی...)

شکوه از یار دل آزار ندارم مدهوش      که مرا یار دل زار دل آزار خوش است  
(۷/۱۰۰)

مشک را پایه شنیدیم به چین بالا رفت      بگشا چین سر زلف که ارزان باشد  
(۳/۱۹۸)

پروانه را ز روی تو پروا نمی شود      دل پیش شمع روی تو پروانه میشود  
(۱/۲۳۱)

#### هم حروفی :

این صنعت نیز که به آن نغمه حروف نیز گفته میشود در غزلیات مدهوش بسیار به کار رفته و موجب غنای آن گشته است.

کی قبول قدم دوست شود به نثار این سر ناقابل ما  
(۴/۱۴)

جز گل حسرت دیدار نگار سر نزد هیچ گیاه از گل ما  
(۷/۱۴)

#### تضاد :

در بیش از ۶۰ درصد غزلیات مدهوش تضاد به کار رفته است و بسامد به کار گیری آن بالاست.

هرزمان زآن لب شیرین چو مرا یاد آید یادم از تلخی جان کندن فرهاد آید  
(۱/۱۹۲)

#### سطح واژه ها:

بسامد واژه ها در هر اثر به شناخت سبک آن کمک میکند. بیان و اندیشه دو مقوله تفکیک ناپذیرند و آواها همواره بیانگر اندیشه ها هستند. در این واکاوی ۴۵ غزل انتخاب شدند و مورد ارزیابی قرار گرفتند.

**کلمات عربی:** در غزلهای منتخب حدود (۵۷۵) کلمه عربی یافت شد. اکثر این لغات در زبان فارسی رایج هستند. مانند (ساقی، عقل، فنا، نظر، حکایت، و...) این درصد نشان دهنده سادگی بیان مدهوش و پرهیز او از کاربرد کلمات نامأنوس عربی است. البته در برخی غزلیات، جملات و کلمات عربی ثقیل نیز به کار رفته است که تعداد آنها اندک است. نظیر: رحیل، حاشا و کلاً، بواب، شارب ...

در برخی ابیات نیز هیچ کلمه عربی به کار نرفته است.

تنها مرا نه باده گلرنگ خوش بود با یار و با نوای نی و چنگ خوش بود  
(۲/۱۶۲)

بررسی بسامد کلمات در غزلیات مدهوش نشان میدهد برخی از آنها کاربرد بیشتری دارند این کلمات و اصطلاحات را به چند دسته یعنی « عرفانی و رندی » « مذهبی و اعتقادی » « نجوم و موسیقی » تقسیم کرده ایم.

**کلمات سمبلیک، عرفانی و رندی:** در غزلیات مدهوش بسیاری از کلمات و اصطلاحات عرفانی و قلندری به کار گرفته شده اند. ( ۲۱ / )

کلمات پر کاربرد عرفانی در شعر مدهوش به ترتیب عبارتند از: عشق، زهد، فنا، خرقة، توبه و ...

چنان پرورده عشقم که در دنیا و در عقبی به غیر از عالم او عالم دیگر نمی دانم  
(۳/۳۲۳)

از دیگر گروه‌های اصطلاحی پر کاربرد در غزل مدهوش میتوان به مفاهیم سمبلیک قلندری و رندی اشاره کرد که در اشعار حافظ فراوان دیده میشوند. این واژه‌ها به ترتیب بسامد عبارتند از: می، باده، جام، خرقه، زاهد، ساغر، و... .

در صومعه زاهد ریایی در میکده رند باده نوشم  
(۲/۲۸۲)

خرقۀ سالوس ندارد بها در بر پشمینۀ پشمینه پوش  
(۶/۲۵۵)

ما را به ریا و ورع و زهد چه کار است ما رند خراباتی و پیمانۀ پرستیم  
(۵/۳۳۳)

**کلمات و اصطلاحات مذهبی و اعتقادی:** کلمات «دین، خدا، سجده، کفر، بهشت، حرم، ایمان، گناه» بسیار به کار برده شده اند (۱۱٪). به برخی اصطلاحات مربوط به ادیان دیگر نیز در اشاره شده است. نظیر « زنا، مسیحا، چلیپا، برهن، ناقوس، ترسا، صومعه » (۳٪).

مطربا از عراق دلتسنگم ساز کن ساز در مقام حجیز  
(۲/۲۴۷)

**اصطلاحات و کلمات مربوط به موسیقی:** در ابیات منتخب، کاربرد این دسته از کلمات و اصطلاحات بسامد پایینی دارد. کلماتی چون : مطرب(۳بار)، چنگ(۲بار) و نی، دف، عراق، حجیز و حجاز( هر کدام یکبار) .

**اصطلاحات و واژه های نجومی:** این دسته از کلمات نیز در ابیات منتخب، بسامد پایینی دارد. کلماتی چون پروین(۲) ثریا(۲) جوزا(۱) فرقدان(۱).

شب فراق چو پروین چشم تر نگرد هزار طعنه زند فرقدان ثریا را  
(۲/۲)

#### سطح نحوی:

الف) کاربرد "را" در معنای حرف اضافه: (۲٪)

عالمی جمله غلام تو و من بنده آنکه غلام است تو را  
(۳/۷)

ب) کاربرد الف اطلاق در آخر فعل: ( کمتر از ۱٪)

گفتم که ندارم به نثار تو به از جان گفتا غضب آلوده که جان قابل من نیست  
(۲/۱۰۶)

ج) "ب" در ابتدای فعل: (۱٪)

درمان غم عشق بگفتند ولیکن مردیم در این حسرت و جستیم دوا را  
(۴/۱۲)

(د) فعل دعایی: ( کمتر از ۱/۰ )

از یک نظر ثواب و گناهم ز یاد رفت خیرش مباد آنکه نظر را گناه کر  
(۴/۱۴۳)

(ه) کاربرد حرف ندا ( ۲/۰ )

ای نگهت آفت و بالا بلا زین دو جهان داده به باد فنا  
(۱/۱۲)

بارزترین ویژگی نحوی در غزلیات مدهوش کاربرد "را" در معنای حرف اضافه است. همچنین کاربرد "ب" در آغاز افعال به دفعات تکرار شده است.

#### سطح ادبی:

بررسی این جنبه از غزلیات مدهوش نشان میدهد که از شاعر از وسعت تخیل خوبی برخوردار بوده است و با استفاده از تکنیکها و فنون ادبی و بیانی، مضمونهای شعری را با ترکیب صور خیال بیان میکند و در بسیاری از موارد از کلمات و ترکیبها، معنای ظاهری آنها را اراده نمیکند.

#### تصویر سازی:

شعر درحقیقت نوعی تصویر آفرینی یا خلق صحنه‌های نمایشی است با استفاده از حروف و کلمات. شاعر گاه تابلویی بزرگ و کلی با ابعاد وسیع و گسترده به تصویر میکشد و گاه در جزئی از تصویر خیالی خود دقیق میشود و ظرایف آن را چنان بیان میکند که گویی واقعا آنچه میگوید را میبیند و مهمتر از آن چنان خلاقانه تصورات ذهنی خود را به تصویر میکشد که احساس مخاطب را آنگونه که میخواهد، برمی‌انگیزد. مدهوش نیز در این زمینه شاعری بهره‌مند است و مضامین زیبایی را آفریده است. در این تصاویر گاه از مفاهیم و اصطلاحات نجومی و موسیقی بهره گرفته است و گاه از عبارات علمی و فلسفی و عرفانی. گاه از اغراق استفاده کرده و گاه از تلمیح به اسطوره‌های ملی و مذهبی.

دیده باشی در سحر بر چرخ نقش داغ‌ها ز آن فروزم داغها بر دل مصور کرد و رفت  
(۳/۵۰)

اما همچون دیگر شعرای دوره بازگشت به متقدمین بویژه حافظ و سعدی نظر دارد تا جاییکه در برخی از آفرینشهای تصویری خود عیناً مضامین شعری آنها را بیان نموده است.

سرو آزاد ار ببیند آن خرام دلپذیر  
بنده گردد در چمن آن قامت چالاک را  
(۶/۳)

یادآور این دو بیت از سعدی است:

تویی که گر بخرامد درخت قامت تو  
ز رشک سرو روان را به اهتزاز آرد  
(کلیات، غزل ۱۷۳)

و نیز :

به جای خشک بمانند سروهای چمن  
چو قامت توبینند در خرامیدن  
(کلیات، غزل ۲۰۵)

گل زحد برد تنعم نفسی رخ بنما  
سرو مینازد و خوش نیست، خدارا بخرام  
(دیوان، غزل ۳۱۰)

و این بیت از حافظ :

**شیوه زنده‌نمایی (جاندار پنداری):** در بسیاری از توصیفات و تصویرسازیهای مدهوش  
اجسام بی‌جان و موجودات بی‌اراده به انسان مانند میشوند و رفتار انسانی دارند:  
بوستان شرمنده از بالای آن سرو سهی  
گلستان در خجلت از آن گلبن نوخیز شد  
(۲/۱۸۱)

**مبالغه در تصویرسازی :** گاه شاعر با نگاهی کمال‌گرایانه نهایت توصیف را برای ممدوح  
یا معشوق به کار برده است و با اغراق و بزرگنمایی آنرا به حد اعلا رسانده است.  
بسیار نیست کوه گران بردنم به دوش  
که البرز پیش بار غمت اندکی شود  
(۲/۲۲۷)

از عقد اشک ماست به گوش تو گوشوار  
یا گرد ماه خوشه پروین نهاده‌ای  
(۵/۲۲۱)

**بیان :**

مدهوش در بیان حالات شاعرانه و مضمون‌پردازی در بسامد بالایی از صورخیال بویژه  
تشبیه، استعاره و کنایه، استفاده کرده است.

**الف) تشبیه:** انواع تشبیه در شعر مدهوش به کار رفته است و این تشبیهات گاه بر مبنای  
اطلاعات علمی ساخته شده‌اند اما آنچه قابل ذکر است این که وجه شبه‌های دور از ذهن

زیاد به کار نبرده است و همین امر موجب سهولت در فهم شعر اوست. در پنجاه غزل بررسی شده بسامد انواع تشبیهات به شرح زیر است:

محسوس به محسوس: (۰/۶۴)

خال او مدهوش دیدم زیر زلف      در شکنج دام دیدم دانه را  
(۷/۴)

محسوس به معقول: (۰/۲۱)

قد خوبان رستخیز آمد ولی مدهوش را      فتنه بالای تو بالای رستاخیز شد  
(۷/۱۸۱)

معقول به محسوس: (۰/۱۴)

کساد نیشکر اندیشه می‌رود مدهوش      وگرنه شعر تو را تا به هند می‌بردند  
(۸/۱۶۵)

معقول به محسوس: (موردی یافت نشد)

تشبیهات محسوس به محسوس نسبت به انواع دیگر تشبیه در غزل او بالاتر است.

تشبیه تفصیل:

به جان مثال لطافت زنند و در نظر من      ز جان لطیفتر است این لطافتی که تو داری  
(۲/۴۷۶)

استعاره: ذوق شاعرانه و قریحه هنری شاعر موجب به کارگیری استعاراتی بویژه در توصیف معشوق شده است. در این خصوص نیز تأثیر شعرای متقدم بر ذهن و زبان شاعر آشکار است. در کل میتوان گفت استعارات در شعر او بعید و دور از ذهن نیست و بر توصیفات و تشبیهات ساده استوار است.

آنکه چون گل ز غمت جامه دریده است منم      وز گلستان تو یک غنچه نچیده است منم  
(۶/۳۵۴)

دل به هر قامت زیبا ندهم      مگر آن سرو سهی بالا را  
(۴/۱)

کنایه: کنایه‌ها در شعر مدهوش بسیارند و بیشتر از اعتقادات عوام و اهالی حرفه و فنون گرفته شده‌اند. فهم اکثر کنایات به کار رفته در غزل مدهوش آسان است و دور از ذهن نیستند. آمار استفاده از کنایه در غزلیات نمونه حدود (۰/۲۱) بود.

میوه برآرم ز هنر رنگ رنگ      تیشه غم گر نبرد ریشه ام  
(۷/۳۱۹)

تیشه به ریشه زدن: کنایه از نابود کردن

عشق پنهان نمی‌کنم مدهوش  
طشت افتاد از لب بامم  
(۹/۳۲۰)

افتادن طشت از بام: کنایه از رسوایی

زاهد سالوس ما کز آب شب پرهیز داشت  
دوش در مسجد عجب مست از شرابش دیدمی  
(۹/۳۴۳)

از آب شب پرهیز داشتن: کنایه از بسیار با تقوا بودن.

#### معانی :

هجران و عدم کامیابی مضمون اصلی غزلیات مدهوش است. زیبایی، بی‌رحمی، بی‌وفایی، و غم فراق و شکوه از روزگار و مردمانش عمده مضامین به کار رفته در کل غزلیات اوست. در سه غزل نیز به مدح ممدوحان خود یعنی فتحعلی شاه و حیدر قلی میرزا حاکم گلپایگان پرداخته است.

محور غزلیات او جملات خبری است که معانی ثانوی آنها رنج و ملال شاعر را بیان میکنند. این گونه جملات بیشترین بسامد را دارند.

در دل سخت تو تأثیری ندارد درد من  
می‌توانم کرد نرم از ناله سنگ خاره را  
(۲/۸)

جملات امری: این جملات در معنی خواهش و تمنا و ترغیب معشوق به وصل و مهربانی به کار رفته‌اند و از جهت بسامد در رتبه دوم قرار دارند.

مکن دریغ اگر در جفا گناهی نیست  
بکش به خونم اگر در وفا خطایی هست  
(۳/۱۲۳)

جملات پرسشی: این گونه جملات کاربرد اندکی دارند و در بیان حالت طلب شفقت و بیان تضرع به معشوق به کار رفته‌اند.

تا به کی در خون کشد چشمت دل صد پاره را  
چند خنجر می‌دهی بر دست این خونخواره را  
(۱/۸)

#### بدیع معنوی :

الف) تمثیل: در غزل مدهوش تمثیل زیاد به کار نرفته است (کمتر از ۱٪) و آنچه به کار رفته است عموماً ساده‌اند و به راحتی میتوان به مفهوم آن دست یافت.

خود نقد جان از این تن لاغر چه میبیری  
سلطان کجا خراج ستاند خرابه را  
(۲/۱۷)

غمی غیر از غم جانان مرا در دل نمی گنجد      اساساً غیر یک سلطان درین منزل نمی گنجد  
(۱/۲۱۴)

**(ب) تلمیح:**

کاربرد تلمیح در غزل مدهوش بسیار است و به کار گیری اسامی شخصیت‌های مذهبی، اساطیری و پهلوانی نشان دهندهٔ بالا بودن اطلاعات شاعر است و اینکه به این بزرگان و سرگذشت آنان اهمیت میداده است. در مجموع (۹٪) از غزلیات او تلمیح دارند و بسامد کاربرد شخصیت‌های عشقی (مجنون و لیلی و فرهاد و شیرین به ترتیب) بالاتر از دیگر موارد است.

این دل مجنون ندانم تا کی از لیلی وشی      میل بر دشت جنون رو در بیابان میکند  
(۵/۱۶۰)

کی ز رستم میرسد بر دیدهٔ اسفندیار      آنچه بردل‌ها از آن برگشته مژگان می‌رسد  
(۳/۱۵۵)

خوش عجیب از آب قدرت کرد مشتی خاک را      آفرین بادا ز جان جان آفرین پاک را  
(۲/۳)

**(ج) اغراق : (۲/۴)**

گردید ز آب و آتشم ویران زمین، سوزان      آهم زبس شد بر سما، اشکم ز بس شد بر سمک  
فلک  
(۲/۲۷۷)

گرچه گاهی ز غم عشق چو کوهی است ولی      عاشق آن نیست که صد کوه چو گاهی نبرد  
(۲/۱۴۴)

**(د) تناسب ( ۵/۷ )**

جز دل عاشق و نخچیر کمند خسرو      آن چه صید است که خوشدل بود از صیادش  
(۸/۲۵۹)

هر ورق مینگرم هست گلستان مدهوش      راستی دفتر تو روضهٔ رضوان ماند  
(۱۰/۲۲۲)

**(ه) حسن تعلیل: (۱)**

این لاغری که هست چو نخ در وجود من      ز آن تاب زلف دان که کلاف بریشم است  
در میان حرف آن میان آمد  
ز آن میان گشت داستانت نازک  
(۴/۲۷۶)



**سطح فکری :**

(۱) **مضامین عاشقانه :** در غزلیات مدهوش عشق مجازی مهمترین درونمایه است. تقریباً در تمام غزلیات او معشوق انسانی است او از معشوق جفاکار همواره گله مند است و عمرش را در فراق و انتظار وصل به سر برده است اما درد عشق را خوشایند میدانند و برای تسکینش مرهمی نمیطلبند. از این که خود را سگ کوی یار بنامد ابایی ندارد و آنرا افتخار و اعتبار خویش میخواند. او همچنین از رقیبان که در راه وصل مانع تراشی میکنند نیز شکایت از بی وفایی و ستمگری معشوق، بالاترین بسامد (۴۷٪) را در بین ویژگیهای شعر او دارد.

بر آن سرم که سر و جان به پایت افشانم      اگر قبول تو افتد نثار مختصری  
(۲/۴۵۹)

**شکایت از معشوق :**

-جور و جفا : (۳۱٪)

ستمگری که ندارد نظیر در آفاق      هزار جور فزون کرد و من همان مشتاق  
(۱/۲۷۴)

-بی وفایی معشوق : (۲۷٪)

در نزد نیکوان همه جنسی ز حسن هست      غیر از وفا که جنس عدیم الوجود شد  
(۳/۱۸۸)

-بی قراری عاشق : (۵٪)

بی قرار است دل و در به درم خواهد کرد      خرم آن دل که قرارش به سر کویی شد  
(۳/۱۶۶)

-بد اخلاقی معشوق : (۴٪)

هرچند نار گشت به قربان طبع دوست      هرچند آتش است به قربان خوی یار  
(۳/۲۳۷)

-عهد شکنی معشوق : (۵٪)

به حسن عهد قدیمت که با شکستن عهدت      هنوز در نظرم هست حسن عهد قدیمت  
(۴/۷۷)

-افسوس و یاس عاشق :

عمر بگذشت و ندیدیم تو را      آه از این کوشش بی حاصل ما  
(۲/۱۴)

-ستمگری معشوق :

خوی تو بر جان ما آیت عظم رمیم  
بوی تو بر خاک ما معنی یحی العظام  
(۳/۲۸۴)

-جنگجویی معشوق : (/.۴)

تا خون من ریزد چرا آن شوخ از تیغ جفا  
بالله نکردم جز وفا مدهوش تقصیر دگر  
(۵/۲۳۴)

-غم و اندوه در فراق یار : (/.۱۱)

مرا تحمل بار فراق یار بکشت  
وگر نه بار جفای سپهر چندان نیست  
(۴/۶۶)

-توصیف جمال معشوق : (/.۱۶)

حیران نکته دانی آنم که کرده است  
دیباچه جمال تو سرمشق صد ادیب  
(۴/۴۰)

-ناز و نیاز : (/.۱۱)

ما و سر نیاز که داند که در ازل  
بر نیکوان غرور و به عشاق لابه را  
(۳/۱۷)

-تواضع عاشق: (کمتر از /.۱)

خواندی سگ آستانم ای دوست  
دادی به من اعتبار دیگر  
(۲/۲۳۶)

-خودستایی و مفاخره: (کمتر از /.۱)

گوهر بحر دانشم مدهوش  
قیمتم روی زمانه شکست  
(۶/۷۸)

-غزل مدحی: (کمتر از /.۱)

مدهوش در پنج غزل حاکم گلپایگان (حیدر قلی میرزا) را با تخلص شعری او (خاور)  
ستوده است، همچنین در دو غزل از فتحعلی شاه نام برده و او را مدح گفته است.

داور دهر خاور آنکه سپهر  
گوید از خدمتش سرافرازم  
(۱۰/۳۰۳)

فخرالخلافه فتحعلی شه که با کفش  
گوید محیط در خوی خجالت شناورم  
(۸/۳۳۲)

۲-مضامین عارفانه: (/.۲۰)

مدهوش اگر چه در اشعارش از تعبیرات و اصطلاحات عارفانه استفاده کرده است اما

معشوق خود را زمینی توصیف کرده است و در حقیقت غزل او عاشقانه است نه عارفانه. از طرفی واژگان رندی و تعابیر قلندری در شعر او بسامد نسبتاً بالایی دارد و میل به ملامت طلبی در شعر او آشکار است. در ابیات متعددی شیخ و زاهدو پارسایان را سرزنش میکند و عشق را تنها مذهب خود میداند.

-قلندری: (۱۵/)

یار در دیر و ملامتهای غیرم میکشد      زین بتر ای دوستان دوری ز دیرم میکشد  
(۴/۱۸۷)

-تظاهر به باده نوشی (۳/)

کس چو من نیست صوفی صافی      تا به میخانه درد آشامم  
(۱/۳۲۰)

-عشق حقیقی: (۱/)

چون فنا عین بقا شد مدهوش      نیستی باید تا هست شوم  
(۶/۳۱۴)

-تظاهر به کفر: (۱۵/)

سر و کار مدهوش با کافری است      که بر باد از زلفش اسلام رفت  
(۹/۹۰)

### ۳- مضامین اخلاقی و اجتماعی : (۶/)

مضامین اجتماعی و اخلاقی بسامد پایینی در شعر مدهوش دارد. برخی مفاهیم که بیشتر به آنها اشاره شده است عبارتند از:

-صبر:

مرا به صبر حوالت کنی و میدانی      بود محال که عاشق کند شکیبایی  
(۴/۴۵۳)

-قناعت :

مدهوش من و ابلق دیهم قناعت      تا شاه شمارند من بی سر و پا را  
(۸/۱۵)

-پند و اندرز :

مدهوش به هم صحبتی اهل هنر کوش      کز عمر نباشد به از این حاصل دیگر  
(۵/۲۴۲)

۴- مضامین فلسفی و کلامی (۱/). مضامینی شبیه به اندیشه های خیامی در غزل مدهوش دیده میشوند و نیز اصطلاحاتی مانند: ازل، ابد، الست، عدم، قدیم و غیره .

-گذر عمر :

زمانی داشتم عمرو ولی مدهوش اندر کف  
کجا باز آیدم آن دل کجا آن عمر برگردد  
(۹/۱۵۷)

-باده نوشی : (./۲)

نیوشم و مینوشم و پروای کسم نیست  
عالم همه دانند که من باده پرستم  
(۲/۲۸۲)

-ملامت طلبی (./۲)

جور تو و ملامت خلق و بلای عشق  
چون راحت من است، چرا بیشتر مباد؟  
(۵/۲۲۸)

-تقابل عقل و عشق : (./۱)

عقل در دایره عشق کجا یابد راه  
که اندرین حلقه کسی راه به هشیار نداد  
(۷/۱۴۶)

-قضا و قدر: (کمتر از ./۱)

گر مقدر بودت عشق به تدبیر مکوش  
هیچکس چاره تقدیر به تدبیر نکرد  
(۵/۲۱۵)

-ترک علایق : (کمتر از ./۱)

تا نبری زنگ علایق ز دل  
آئینه عشق نگیرد جلا  
(۹/۱۱)

**نتیجه گیری :**

مدهوش گلپایگانی از شعرای گمنام دوره بازگشت است. در سرایش غزل توانمندی خود را به اثبات رسانده است و تسلط او بر صناعات ادبی و ظرافتهای شعری و هنری آشکار است. او همچون دیگر شعرای همعصرش به تقلید از متقدمان پرداخته است و در انتخاب مضامین و قافیه و ردیف به شعر آنها نظر داشته است. انتخاب وزن در اشعار او متناسب با موضوع است. ردیفهای فعلی که گاه پرسشی نیز هستند به غنای شعر او افزوده است. سلیس و روان بودن ابیات، سهولت در انتقال مفاهیم و بهره گیری از قوافی مناسب از شاخصه های شعر اوست. در کل غزلیاتش بحر رمل، هزج، و مضارع بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده اند. از جنبه ادبی، غزل او بیشتر بر تشبیه استوار است و از استعاره و تلمیح و اغراق نیز به حد قابل توجهی بهره گرفته است. از لحاظ فکری نیز درون مایه اصلی غزل او عشق است و معشوق او زمینی است. از این جنبه حرف تازه ای ندارد و عموماً

مضامین گذشتگان را تکرار کرده است. در غزلیات او به تعبیرات اخلاقی، فلسفی، عرفانی، نیز اشاراتی شده است و توجه به اندیشهٔ خیامی نیز در محتوای غزل او دیده میشود.

### منابع

- ۱- از صبا تا نیما، آرن پور، یحیی چاپ هفتم، (۱۳۷۹)، تهران، زوآر.
- ۲- فنون ادبی، احمد نژاد، کامل، چاپ اول، (۱۳۷۲)، تهران، انتشارات پایا.
- ۳- سبک شعر در عصر قاجاریه، تجربه کار، نصرت، چاپ اول، (۱۳۵۰)، تهران، مهر.
- ۴- معانی و بیان، تجلیل، جلیل، چاپ دوم (۱۳۷۰)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۵- فن بیان در آفرینش خیال، ثروتیان، بهروز، چاپ اول (۱۳۸۳)، تهران: امیرکبیر.
- ۶- شعر در عصر قاجار، حمیدی، مهدی، چاپ اول (۱۳۶۴)، تهران، گنج کتاب.
- ۷- فرهنگ سخنوران، خیام پور، عبدالرسول، چاپ اول (۱۳۴۰)، تبریز.
- ۸- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، دادبه، اصغر، ذیل واژه بازگشت ادبی (ج ۱۱)، تهران، (۱۳۸۱)، مرکز دایره‌المعارف.
- ۹- ادوار شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات سخن.
- ۱۰- موسیقی شعر، ..... (۱۳۷۹)، تهران، آگاه.
- بیان و معانی، شمیسا، سیروس، چاپ هشتم، (۱۳۷۴)، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۱- کلیات سبک شناسی، ..... (۱۳۷۴)، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۳- سیر غزل در شعر فارسی، ..... (۱۳۸۶)، چاپ دوم، تهران: فردوس.
- ۱۴- طراز سخن در معانی و بیان، صادقیان، محمد علی، (۱۳۸۲) ریحانه‌الرسول، یزد.
- ۱۵- آفاق غزل فارسی، صبور، داریوش، چاپ دوم، (۱۳۷۰)، تهران، نشر گفتار.
- ۱۶- تکوین غزل و نقش سعدی، عبادیان، محمود، (۱۳۸۴)، تهران، اختر.
- ۱۷- بیان، زیبایی‌شناسی سخن پارسی، کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۷۲)، تهران، نشر مرکز.
- ۱۸- کلیات، گلپایگانی، محمد صادق، (۱۲۴۷ق)، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملی تبریز به شماره (۲۵۴۶)
- ۱۹- تحول شعر فارسی، مؤتمن، زین العابدین، چاپ سوم (۱۳۵۵)، تهران، طهوری.
- ۲۰- درر الادب در فن معانی، بیان، بدیع، ناشر، عبدالحسین، (۱۳۴۰)، شیراز، شرکت طبع کتاب.
- ۲۲- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۹) چاپ اول، تهران، دوستان.

